

این تفاوت آراء نشان می‌داد که فاصله‌های عمیقی در مبانی فکری میان نیروهای مذهبی و روشنفکری وجود دارد. البته مردم که ارتباط غیرقابل گسستی با رهبری انقلاب و هویت دینی انقلاب داشتند، با رأی بالاتر از ۹۸ درصد، جمهوری اسلامی را تأیید کردند.

ج | تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی؛ مجلس خبرگان قانون اساسی که در سال ۱۳۵۸ برای بررسی و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی تشکیل شد، محل تضارب آراء روشنفکران غیردینی و دینی و نیروهای مذهبی بود که به طور طبیعی نیروی مذهبی اکثریت افراد را در این مجلس داشت. مذاکرات ثبت شده این مجلس، از اسناد مهمی است که می‌توان اندیشه‌ها و افکار و دیدگاه‌های جریان‌های حاضر در صحنه انقلاب را تحلیل کرد. گفت‌وگوهایی که میان دکتر مقدم مراغه‌چی (یکی از نمایندگان روشنفکری در ایران) و دکتر بهشتی (از رهبران نیروی مذهبی تحول‌خواه) در مجلس خبرگان صورت گرفت، گویای تفاوت‌های عمیق فکری این دو جریان است.

از آنجا که نوع حکومت «ولایت فقیه» بدان معناست که دین حاکمیت کامل بر همه قوانین کشور دارد، به طور طبیعی با اندیشه لیبرالی سازگار نبود. در نتیجه جریان روشنفکری غیردینی و برخی از روشنفکران دینی با تصویب این اصل مخالف بودند.

اندیشه

لینکن کاردار سفارت آمریکا در ۲۷ شهریور ۱۳۵۸ (۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹)، یعنی در زمانی که اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی درباره اصل «ولایت فقیه» بحث و گفت‌وگو می‌کردند، در گزارشی مخفیانه به دولت خود در آمریکا می‌نویسد:



اگر در ایران رفراندومی (نظرخواهی) در مورد ولایت فقیه برگزار شود، این ایده سیاسی بدون شک مورد تصویب عظیمی قرار خواهد گرفت. (ج ۲، ص ۳۱۴)

سؤال:

- چرا با این که آنان و همفکران آنان می‌دانستند اصل ولایت فقیه مورد قبول اکثریت قاطع مردم است، با این اصل مخالفت می‌کردند؟
- این گزارش گویای چه حقیقتی است؟ دشمن انقلاب اسلامی چرا این حقیقت را به صورت آشکار بیان نمی‌کرد؟